یادداشت روز

عملیات برق‌آسای یمن نمای قدرت عظیم جبهه مقاومت

عملیات برق‌آسای مقاومت یمن در حد فاصل دوشنبه تا پنجشنبه هفته پیش حیرت بسیاری برانگیخت. دشمنان مقاومت از اینکه عربستان سعودی و امارات علی‌رغم کوهی از امکانات مدرن نظامی که غرب برای ایجاد پدافند در مقابل جبهه مقاومت و برای تثبیت موقعیت غرب در شبه‌جزیره در اختیار آنان قرار داده‌اند و دست‌شان را برای ارتکاب هر جنایتی علیه مردم مسلمان منطقه باز گذاشته‌اند، با چنان پریشانی شهر به شهر، ساحل به ساحل، صخره به صخره و جزیره به جزیره پا به فرار گذاشته و هزاران تن سلاح را تسلیم کرده‌اند، به‌شدت به هراس افتاده‌اند. این صحنه نشان داد همان‌طور که سپر تقدیمی چندلایه قادر به دفاع از دولت‌های وابسته نیست، دولت‌های مجهز به سلاح‌های پیشرفته نیز قادر به حفظ منافع غرب در منطقه نیستند. این آشکارا و بدون هیچ مجامله‌ای تغییر اساسی در رژیم امنیتی-نظامی منطقه به ضرر غرب و دولت‌های منطقه‌ای وابسته به آن می‌باشد. اینک اگر کسی بعد از حدود سه دهه از زورآزمایی غرب با جبهه مقاومت و شکست پی‌درپی از آن، منتظر تغییر اوضاع به نفع غرب است، باید دلیل قاطعی برای برخورداری از عقل و بینایی ارائه دهد.

مقاومت یمن ظرف سه تا چهار روز در پنج جبهه با ارتش‌های عربستان و امارات و عوامل آن‌ها درگیر شد و در همه جبهه‌ها از جوف در شمال تا مأرب در شرق و تا حدیده در غرب و تا تعز در جنوب و تا نقاطی در میانه یمن پیروز شد. مساحتی که مقاومت یمن در این چهار یا سه روز جنگ آزاد کرد اندازه مساحت کشوری در حاشیه جنوبی خلیج‌فارس و بیش از نیمی از مساحت لبنان است. مقاومت یمن در این عملیات تحیربرانگیز ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از مناطق تحت تصرف عوامل سعودی و اماراتی را آزاد کرد، بر چهار فرودگاه مسلط شد، پنج شهر و چهار جزیره را به تصرف درآورد و با ۱۶۰ کیلومتر پیشروی، کل ساحل شرقی یمن در دریای سرخ را آزاد کرد و تنگه باب‌المندب را در اختیار گرفت. در این عملیات ۱۵۰۰ نظامی وابسته به عربستان و امارات به اسارت درآمدند و هزاران تُن انواع سلاح‌ها و خودروهای نظامی به دست مقاومت یمن افتاد. مقاومت یمن ۱۲ نقطه لجستیکی و تجمع نیروی نظامی دشمن را پاکسازی کرد. در نقطه مقابل آنان، ارتش ترکیبی عربستان و امارات و عوامل مزدور آنان به استعداد بیش از ۵۰۰۰۰ نیروی نظامی و بیش از ۴۰۰۰ خودروی نظامی به فرماندهی ژنرال طارق عبدالله صالح الاحمر به همراه صدها جنگنده سعودی تلاش کرد تا حرکت نظامی مقاومت یمن از الحدیده تا تعز را سد کند، اما کاری از پیش نبرد و آن دسته از نظامیانی که به اسارت درنیامده بودند با رها کردن تجهیزات به سمت بیابان‌های استان حَضرَمُوت در شرق یمن فرار کردند. با شکست سنگین عوامل امارات و سعودی که منجر به شعله‌ور شدن دوباره درگیری میان آنان شد، رئیس بزرگ‌ترین قبیله جنوب از آنان جدا شد و با دولت صنعا بیعت کرد و پس از آن عوامل شرور امارات و عربستان از استان‌های مأرب در شرق و لحج در جنوب صنعا به سمت بیابان‌های حَضرَمُوت گریختند!

عملیات برق‌آسای مقاومت یمن که در واقع نمای سرزندگی و اقتدار همه اجزای جبهه مقاومت می‌باشد، چند موقعیت راهبردی جدید را برای مقاومت منطقه خلق کرده است:

- توان کنترل کل آبراه دریای سرخ که مهم‌ترین گرانیگاه تجارت جهانی، به‌خصوص در حوزه انرژی است؛

- توان اثرگذاری بر منطقه حساس شاخ آفریقا که در دو دهه گذشته به کانون فتنه‌گری رژیم جنایتکار صهیونی و دولت شرور امارات تبدیل شده بود و بر این اساس سومالی‌لند را به نقطه کنترل این منطقه تبدیل کرده بودند؛

- توان اثرگذاری بر تحولات امنیتی شبه‌جزیره که طی ده‌ها سال به بارانداز نظامی آمریکا، انگلیس و فرانسه و فتنه‌انگیزی علیه جهان اسلام تبدیل شده بود؛

- توان اثرگذاری بر جنوب و شرق تنگه باب‌المندب، به‌خصوص دو جزیره راهبردی سوکوترا و دیه‌گو گارسیا که طی دو دهه اخیر به نقطه امن نظامی آمریکای متجاوز، انگلیس شرور و فرانسه خائن و مراکز طراحی عملیات‌های هوائی آنان تبدیل شده بود. اینک این پایگاه‌ها و یال غربی اقیانوس هند در دید و تیر مقاومت یمن قرار گرفته است؛

- قدرت اعمال تیر بر کل سواحلِ شرقی دریای سرخ از تنگه تا خلیج عقبه که در دو دهه اخیر عملاً به میدان عملیاتی رژیم جنایتکار اسرائیل درآمده بود و از طریق زنجیره‌ای از ناوهای نظامی آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان پشتیبانی اطلاعاتی، مخابراتی، عملیاتی و لجستیکی می‌شد؛

- توان اثرگذاری بر آبراه سوئز که با چشم‌پوشی مصر، به منطقه جاسوسی و هدایت عملیاتی رژیم اسرائیل علیه مناطق فلسطینی و لبنان تبدیل شده بود؛

- توان کنترل سیستم‌های مخابراتی، اطلاعاتی و لجستیکی رژیم صهیونیستی از مدیترانه تا اقیانوس هند و از شبه‌جزیره تا شرق آفریقا.

یک نکته بسیار مهم دیگر این بود که مقاومت یمن با عملیاتی بسیار هوشمندانه، علی‌رغم آنکه موفق به فروپاشیدن پنج لشکر سعودی و اماراتی و عوامل آن گردید، تلفات این عملیات و شهدایی که نثار شدند به نحو عجیبی به حداقل رساند و از ده‌ها نفر عبور نکرد! این عملیات هوشمندانه مملو از ابتکاراتی بود که شرح آن‌ها از حوصله این یادداشت خارج است. انصارالله برای انجام این عملیات هوشمندانه به ماه‌ها زمان برای طراحی، آماده‌سازی عملیاتی، انواعی از آموزش‌ها، توجیه، تسلیح و اطلاعات ریز نیاز داشته است و اینک سؤال مهمی که در برابر دولت‌های عربستان و امارات و سرویس‌های اطلاعاتی آنان قرار دارد، این است که چطور این همه تلاش را ندیده و به طعمه چاق مقاومت یمن تبدیل شده‌اند؟ همین الان نیروهای درگیر در صحنه، پس از شکست سختی که متحمل شده‌اند، فرماندهان خود و سران دولت‌های امارات و سعودی را متهم به بی‌کفایتی می‌کنند. خیلی واضح است که سران آن‌ها برای فرار از پاسخ به دروغ آدرس ایران را بدهند. آنگاه ناگزیرند به سؤال بزرگ‌تری پاسخ دهند؛ شما چه‌کاره هستید که ایران همزمان جبهه‌ای به این گستردگی از خلیج‌فارس تا دریای سرخ را فرماندهی و تدارک می‌کند؟

اقتدار راهبردی جدید مقاومت که با به‌هم‌پیوستگی غلبه ایران بر آمریکا و رژیم و عوامل خائن منطقه‌ای آنان و سال‌ها تاب‌آوری و غلبه مقاومت لبنان و قدرت آتش مقاومت عراق علیه پایگاه‌ها و تأسیسات آمریکا و عوامل آن در منطقه و ایستادگی مقاومت فلسطین علی‌رغم سه سال جنگ شدید و قدرت تهاجمی مقاومت یمن، اقتدار خود را به ثبت رسانده و همه حصارها را در هم شکسته است و این، معادله جدید منطقه از مدیترانه تا اقیانوس هند را نشان می‌دهد. این معادله اینک در کشاکش نزدیک به سه دهه جنگ سر برآورده و در برابر حوادث، هرقدر هم که سهمگین باشند، در فضای تثبیت نهایی است.

وقتی در اثنای حرکت پیروز یمنی‌ها و ضربات پیاپی ایران که جبهه مقاومت، آشکارا از وضعیت دفاعی و پدافندی به وضعیت هجومی و آفندی رسیده است، دولت‌های خائن عربی از ایران انتظار دارند تا در جهت کاهش تنش با آمریکا و رژیم غاصب و خود این‌ها گامی بردارد، نشان می‌دهد همه گزینه‌ها در برابر جبهه مقاومت منسوخ شده‌اند.

ما می‌دانیم که اگر در فضای ضعف مطلقی که بر دشمنان جنایتکار، عهدشکن و خائن مستولی شده است به آنان فرصت داده شود، از این فرصت برای ساز کردن خیانتی تازه استفاده می‌کنند، بنابراین نباید به آنان فرصت داد. الان زمان تثبیت دستاوردهای بزرگ مقاومت است که شرط تثبیت، پاکسازی منطقه است. دولت‌های خائن که شرورانه لجستیک نظامی، اقتصادی و سیاسی تجاوزات بوده و در ائتلاف با آمریکا و رژیم اسرائیل در حد فاصل ۱۳۸۰ / ۲۰۰۰ تا امروز چندین جنگ را برای محو اسلام و جمهوری اسلامی و نحله‌های مقاومت در منطقه به راه انداخته و هزاران خون محترم مؤمنان را بر زمین ریخته‌اند، نباید فرصت به‌هم‌رسیدنی دوباره و جنگ‌افروزی در آینده پیدا کنند. این صحنه‌ای است که باید به پاکسازی منطقه از حضور فتنه‌گرانه نظامی غرب و بازمهندسی منطقه منجر شده و مسلمانان از فضای انزوا خارج شده و جایگاه خود را در تحولات بزرگ دنیا پیدا نمایند.

سعدالله زارعی

کیهان بررسی کرد

راز حمله «جریان ناکارآمد» به «کارنامه درخشان» شهید رئیسی

سرویس سیاسی-

بانیان مشکلات اقتصادی موجود برای پنهان‌سازی حقارت و ناکارآمدی خود، پروژه‌بگیران اجاره‌ای را علیه الگوی درخشان و ۱۰۰۰ روزه شهید رئیسی به خط کرده‌اند.

جریان ناکارآمد بعد از پخت‌وپز دلار ۲۳۵ هزار تومانی و ثبت رکوردهای بی‌سابقه‌ای در تورم و رکود، این‌بار بلاگرنماها و پروژه‌بگیرهای اجاره‌ای فضای مجازی را به خط کرده تا با عملیات کثیف، به کارنامه درخشان شهید جمهور، آیت‌الله رئیسی حمله کند؛ شهید جمهوری که رهبر شهیدمان بارها مدال افتخار خدمت‌رسانی او را ارج نهادند و در توصیف عملکرد دولت سیزدهم فرمودند: «اگر این دولت ادامه پیدا می‌کرد، بنده احتمال زیاد می‌دهم که بسیاری از مشکلات کشور، عمدتاً مشکلات اقتصادی حل می‌شد.» اما حقیقت روشن‌تر از آن است که با گردوخاک چند چهره بی‌شناسنامه کدر شود.

راز اصلی این هجمه‌ها، فاصله بسیار زیاد و شکاف پرناشدنی میان کارنامه واقعی، عینی و ملموس دولت شهید رئیسی با عملکرد غیرقابل‌دفاع و خسارت‌بار مدعیان اصلاحات است. بانیان مشکلات اقتصادی امروز که در دوره مدیریت خود کشور را به گِل نشاندند و هنوز هم در مناصب مختلف جا خوش کرده‌اند، حالا تلاش می‌کنند با شعبده‌بازی‌های رسانه‌ای و توهین به شهید مظلوم، حواس مردم را از واقعیت‌های اقتصادی پرت کنند.

وقتی پروژه‌بگیرها جای کارشناسان را می‌گیرند

هنگامی که دست یک جریان سیاسی از آمار و ارقام واقعی و تحلیل‌های معتبر خالی می‌شود، متوسل شدن به سناریوهای مبتذل دور از انتظار نیست. هیچ کارشناس منصف و صاحب‌نام اقتصادی حاضر نیست اعتبار حرفه‌ای و دینی خود را برای بیان دروغ‌های شاخ‌دار و افتراهای سخیف قربانی کند.

دقیقاً به همین دلیل است که اتاق‌فکرهای حامی دولت، دست‌به‌دامن پروژه‌بگیران فضای مجازی و بلاگرنماهای کم‌سواد شده‌اند. در روزهای اخیر انتشار مصاحبه‌ای سفارشی از یک بلاگر اقتصادی که در آن با گستاخی و ادعاهای کذب محض تلاش کرده بود توانمندی و هوش مدیریتی شهید رئیسی را زیر سؤال ببرد، موجی از انزجار عمومی را به همراه داشت. مسئله اصلاً یک بلاگرنمای معلوم‌الحال نیست؛ بلکه مسئله اصلی جریان رسانه‌ای پنهان و حامیان پُشت‌پرده‌ای هستند که این پروژه تخریب را پشتیبانی مالی و هدایت خبری می‌کنند تا حقارت ساختاری خود را پشت این فضاسازی‌های ناشیانه بپوشانند.

موج واکنش‌ها در حمایت از شهید رئیسی عزیز

انتشار این ادعاهای بی‌اساس با موج سنگینی از واکنش‌های حقوقی و روشنگرانه مسئولان، وزرا و چهره‌های شاخص همراه شد؛ مواضعی که صراحتاً نشان داد کارنامه غیرقابل‌دفاع مدعیان اصلاحات با هجمه به شهید رئیسی تطهیر نمی‌شود.

بنیاد شهید آیت‌الله رئیسی با طرح شکایت رسمی در مراجع قضائی، تمامی ادعاهای مطرح‌شده را کذب محض خواند و تاکید کرد که نسبت به حقوق رئیس‌جمهور شهید و پاسخ حقوقی به این افتراها تا آخر خواهد ایستاد.

علی نادری، مدیرعامل سابق ایرنا: «تولید و توزیع گسترده امثال این اراجیف از مسیر رسانه‌های وابسته به دفتر رئیس‌جمهور آن هم همزمان با دلار ۲۳۶ هزار تومانی، قابل انتظار بود. این ادعا خلاف واقع و نشر اکاذیب است و اقدام حقوقی لازم انجام خواهد شد.»

حمیدرضا غلام‌زاده، رئیس مرکز ارتباطات شهرداری تهران: «وقاحت حد و مرز ندارد؛ هم وقاحت رسانه‌ای که با حمایت برخی چهره‌ها ایجاد شده، هم وقاحت برنامه‌ای که به دنبال دیده شدن است و هم وقاحت کارشناسی که کج‌تابی می‌کند. پزشکیان را همین اطرافیان به مشکل خواهند انداخت.»

محسن افشارچی، استاندار سابق زنجان: «آن شهید بسیار دقیق، یادگیر، جدی، خوش‌حافظه، باهوش، با قدرت استنتاج بالا و مهم‌تر از همه خداترس بود؛ و این آخری چیزی است که تخریب‌کنندگان قطعاً از آن بی‌بهره‌اند.»

علی‌اکبر محرابیان، وزیر نیروی دولت سیزدهم نیز با یادآوری حافظه فوق‌العاده شهید رئیسی در مرور جزئیات پروژه‌ها گفت: «در جلسه هیئت دولت وقتی گزارش نیروگاهی می‌دادم، ایشان درصد دقیق پیشرفت جلسه قبل را یادآوری کردند. شهید رئیسی مشکلات را می‌فهمید اما نگرانی را به مردم منتقل نمی‌کرد. وظیفه مسئول را نگران بودن برای آرامش مردم می‌دانست.»

داوود منظور، رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه هم با تشریح تسلط کامل شهید رئیسی بر مباحث اقتصادی خاطرنشان کرد: «ایشان قبل از جلسات ستاد اقتصادی، آمارهای ریز کالاها، وضعیت بازار ارز و بانک‌ها را رصد می‌کرد. حساسیت بالایی روی معیشت داشت و حتی با پیشنهاد افزایش محدود نرخ ارز بودجه یا قیمت حامل‌های انرژی به شدت مخالفت کرد تا فشار تورمی به مردم وارد نشود.»

مجید شاکری، کارشناس اقتصادی: «گواهی می‌دهم یکی از نقاط قوت مهم شهید رئیسی درک بالا و توان فهم دقیق نکات پیچیده اقتصادی بود.»

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر سابق ارشاد: «در لسان رهبر شهید بیش از صد صفت در مراتب فضل، دانش و کارآمدی برای این شهید بیان شده است. وای به حال دروغگویان و حامیانشان از قیامت سختی که در انتظارشان است!»

ایمان شمسایی، رئیس مرکز ارتباطات و رسانه مجلس: «شهید رئیسی ۱۰ سال رئیس سازمان بازرسی و ۳ سال تولیت آستان قدس رضوی بود. سازمان بازرسی یعنی ناظر بر عملکرد مدیریتی و اقتصادی دستگاه‌های کشور. رهبر شهید تولیت مجموعه عظیم آستان با اموال و املاک فراوان را طبیعتاً به فردی بیگانه با اقتصاد نمی‌سپارند.»

علامت سؤال بزرگ درباره پشت‌پرده یک برنامه‌سازی مشکوک؟!

در این میان، پرسش‌های جدی و بی‌جوابی در مقابل افکار عمومی قرار دارد. کدام مجموعه و چه دست‌های پنهانی پشت این پروژه‌ها قرار دارند که علی‌رغم تولید محتواهای انحرافی و ساختارشکن که سر از رسانه‌های معاند نظیر موساد اینترنشنال بیرون می‌آورد، همچنان آزادانه و بدون هیچ برخورد نظارتی به کار خود ادامه می‌دهند؟ تولید و ضبط چنین مصاحبه‌هایی در خارج از کشور، آن هم بی‌آنکه مشخص باشد هزینه‌های سنگین سفر، مجوزها و هماهنگی‌های آن از چه منبعی تامین شده، این فرض را تقویت می‌کند که پشتیبانی و هماهنگی فراتر از یک تهیه‌کننده عادی در جریان است. همزمانی این تخریب‌ها با اوج‌گیری نرخ دلار و نابسامانی‌های اقتصادی، نشان‌دهنده یک اتاق‌فرمان واحد برای حاشیه‌سازی است.

الگوی هزارروزه

بانیان دلار ۲۳۵ هزار تومانی به جای فرافکنی و اجیر کردن بلاگرهای بی‌سواد فجازی، بهتر است اولاً به مردم پاسخ دهند که چگونه اسب زین شده دولت شهید رئیسی را با بی‌کفایتی خود به هِن هِن انداختند و بعد از آن نگاهی به شاخص‌های ملموس اقتصادی بیندازند و از الگوی موفق دولت سیزدهم درس بگیرند! شهید رئیسی با «تکیه به ظرفیت‌های داخلی»، «تمرکز بر کارهای زیربنایی» و «فردا را قربانی امروز نکردن» پس از یک دهه، اقتصاد کشور را دوباره به ریل پیشرفت بازگرداند و یک «الگوی عینی و کارآمد» در مدیریت جهادی ارائه داد.

نگاهی به داده‌های رسمی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در حالی که میانگین رشد اقتصادی کشور در سه سال پایانی دولت دوازدهم به عدد نگران‌کننده منفی ۲.۰۵ درصد سقوط کرده بود، این شاخص در سال‌های ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ به ترتیب با جهش‌های چشمگیر ۵.۶، ۵ و نزدیک به ۶ درصد مواجه شد تا میانگین رشد اقتصادی هزار روز خدمت دولت سیزدهم به ۵.۴ درصد برسد. در همین دوره زمانی، میانگین صادرات غیرنفتی کشور نیز با چرخش سکان مدیریت اجرائی به رقم ۵۰ هزار و ۸۰۰ میلیون دلار افزایش یافت.

ابعاد ملموس‌تر این جهش اقتصادی را می‌توان در شاخص‌های عدالت اجتماعی و فقرزدایی دید؛ جایی که بر اساس گزارش نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی، در طول این ۱۰۰۰ روز بیش از ۱۰ میلیون نفر از هموطنان از زیر خط فقر خارج شدند. علاوه بر این، طبق داده‌های رسمی بانک مرکزی، شاخص نابرابری درآمدی یا همان ضریب جینی که نشان‌دهنده فاصله طبقاتی است، از ۰.۴۲ در سال ۱۳۹۹ به ۰.۳۶ در سال ۱۴۰۲ کاهش یافت که گواهی بر توجه ویژه شهید جمهور به اقشار ضعیف جامعه بود.

این آمارهای واقعی و غیرقابل‌انکار، سناریوی ترور شخصیت شهید رئیسی را که از مناظرات سال‌های ۹۶ و ۱۴۰۰ آغاز شد و امروز نیز ادامه دارد، کاملاً ناکام می‌گذارد. ترور شخصیتی که بی‌شباهت به مظلومیت شهید بهشتی نیست، تنها به این دلیل رخ می‌دهد که محبوبیت آن شهید در میان طبقات مختلف مردم روزبه‌روز شفاف‌تر می‌شود؛ همان شهیدی که امام شهیدمان او را «امیرکبیر دوران» خواندند و بر ادامه کارهای باارزش دولت قبل تاکید داشتند.

ضرورت پاسخگویی تیم اطلاع‌رسانی و مدعیان وفاق

نکته اسف‌بارتر، استقبال و بازنشر گسترده این دروغ‌های شاخ‌دار توسط رسانه منتسب به دفتر رئیس‌جمهور است. همین رسانه‌هایی که در برابر کوچک‌ترین و منصفانه‌ترین انتقادات اقتصادی، سراسیمه فریاد «ضرورت حفظ وحدت و وفاق ملی» سر می‌دهند، وقتی پای تخریب کارنامه شهید جمهور وسط می‌آید، زنجیروار به پخش اکاذیب یک پروژه بگیر می‌پردازند.

تیم اطلاع‌رسانی و دفتر رئیس‌جمهور باید در برابر این تناقض آشکار و رفتارهای مخرب رسانه‌های منتسب به خود پاسخگو باشند.

ملت ایران فراموش نخواهد کرد که خادم جمهور؛ شهید رئیسی عزیز چگونه با اخلاص و تلاش شبانه‌روزی، برای کشور کار کرد و امروز بانیان مشکلات اقتصادی موجود، عاجز از تکرار آن موفقیت‌ها، به گرد و خاک در فضای مجازی روی آورده‌اند.

طائب:

با حفظ انسجام داخلی مقابل توطئه آمریکا بایستیم

رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت: آمریکا به‌دنبال ایجاد اختلاف در داخل کشور است و نباید اجازه موفقیت به دشمن داد.

حجت‌الاسلام و المسلمین حسین طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین در جمع فرماندهان بسیج تهران گفت: آمریکا به‌دنبال این است که بین جریان‌های داخل کشور اختلاف ایجاد کند و ما با حفظ انسجام نباید اجازه دهیم آنها در این کار موفق شوند.

وی با تأکید بر لزوم تقویت و نمایش قدرت امنیتی کشور افزود: ملت مبعوث‌شده در جنگ اخیر، ایمان و عمل خود را نشان داد و با حضور در میدان، تاب‌آوری داخلی را افزایش داد.

به گزارش تسنیم، حجت‌الاسلام والمسلمین طائب با تأکید بر اینکه باید عرصه را برای حضور همه مردم با سلایق و رنگ‌های مختلف در بسیج فراهم کنیم، بیان داشت: مقابله با تهدید نرم از وظایف بسیج است و ما باید در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطالبه‌گر باشیم. رئیس سازمان بسیج مستضعفین با اشاره به رزمایش بزرگ مردمی ۳۱۳هزارنفری در تهران در ۲۷ شهریورماه جاری گفت: رزمایش میلیونی مردم جانفدا در کشور و تهران نشان‌دهنده ایستادگی و اقتدار مردم در برابر تهدیدات دشمن است و امنیت و تاب‌آوری مردم را افزایش خواهد داد.

وی خاطرنشان کرد: اسرائیلی‌ها منتظر فروپاشی خود در ۸۰سالگی تأسیس این رژیم هستند و ان‌شاءالله زودتر از زمانی که رهبر شهید انقلاب فرمودند، از بین خواهد رفت.

خبر ویژه

رؤیابافی تازه ظریف با نسخه تکراری تسلیم در برابر غرب!

محمدجواد ظریف، وزیر خارجه اسبق، بار دیگر با قلم‌فرسایی در نشریه آلمانی زنیت، پرده از نسخه‌ای تازه اما با همان محتوای کهنه و خسارت‌بار برداشت.

وی در این یادداشت با بازتولید گزاره‌های تکراری تسلیم‌طلبانه، ایده‌هایی نظیر «تشکیل کنسرسیوم چندجانبه برای غنی‌سازی» و «ادغام امنیت هسته‌ای در ساختار امنیت منطقه‌ای» را به‌عنوان «تنها روزنه باقی‌مانده دیپلماسی» صورت‌بندی کرده است.

اما کلاژ سیاسی جدید آقای ظریف، بیش از آنکه گره‌گشای بن‌بست محاسباتی غرب باشد، رونمایی از همان نگاه انفعالی است که سال‌ها کشور را معطل اخم و لبخند حریف نگه داشت. نقد سه گزاره اصلی این یادداشت، عیار واقع‌بینی این نسخه را به روشنی عیان می‌سازد.

پیشنهاد مشارکت دادن قدرت‌های فرامنطقه‌ای و بازیگران حاشیه خلیج‌فارس در تأسیسات غنی‌سازی ایران، بازگشت آشکار به طرح‌های خسارت‌بار گذشته است. خطای محاسباتی ظریف در اینجاست که توانمندی هسته‌ای ایران-که با الگوی بومی و خون دانشمندان شهید تثبیت شده- را معامله‌پذیر می‌داند. واگذاری صلاحیت مدیریتی و نظارتی صنعت هسته‌ای به کنسرسیومی خارجی، چیزی جز حراج حاکمیت ملی و منوط کردن انرژی هسته‌ای کشور به امضا و اجازه بازیگرانی نیست که کارنامه‌شان مملو از خصومت است.

از طرفی ظریف منشأ بن‌بست را «چرخه امنیتی‌سازی» دانسته و خواستار گنجاندن برنامه هسته‌ای در «معماری امنیت منطقه‌ای» و امضای توافقات عدم‌تجاوز شده است. این صورت‌بندی، نادیده گرفتن یک اصل بنیادی است؛ اینکه امنیت ملی محصول «مؤلفه‌های عینی قدرت» است، نه تفاهم نامه‌های بی‌خاصیت و مرده! تجربه تلخ برجام و تفاهم نامه اسلام‌آباد ثابت کرد اعتمادسازی یکجانبه و انفعال، صرفاً اشتهای متجاوز را بازتر می‌کند. تقلیل بازدارندگی موشکی و منطقه‌ای به ساختارهای انتزاعی نظیر «طرح منارا»، خلع سلاح داوطلبانه در برابر دشمنی است که جز زبان قدرت را نمی‌فهمد.

علاوه بر این، دعوت از آلمان و پایتخت‌های اروپایی برای خروج از «رخوت دیپلماتیک» و ایفای نقش «میانجی غیرهژمونیک»، نشان از عدم درک کارکرد واقعی غرب در قبال ایران دارد. اروپایی‌ها در عمل اثبات کرده‌اند فاقد استقلال راهبردی بوده و مکمل پروژه فشار حداکثری آمریکا هستند.

آنچه آینده ایران را تضمین می‌کند، نه پایان زودهنگام نبرد از سر خستگی و نه پیشنهاد نسخه‌های تکراری، بلکه تداوم مسیر «قدرت‌سازی» و کوتاه کردن کامل دست متجاوزان از منطقه است. تقویم تحولات منطقه‌ای گواهی می‌دهد که هرگاه از موضع مسامحه وارد میدان شده‌ایم، دستاوردی جز تحریم بیشتر و گستاخی دشمن نداشته‌ایم؛ اما هرجا با منطق مقاومت پیش رفته‌ایم معادلات به نفع ملت تغییر کرده است.

این همان حقیقت روشنی است که شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی در نقد صریح سیاسیون مبتلا به «توهم دیپلماسی» گوشزد می‌کرد. شهید سلیمانی با نهیب به تفکری که نجات را در سازش می‌جست، متذکر شد: «اگر بعضی از کارها با دیپلماسی قابل حل بود، هیچ‌کس مصلح‌تر از امیرالمؤمنین(ع) و امام حسین(ع) نبود.»

سیاست خارجی مقتدرانه نه با جلب رضایت مستکبران، بلکه با پایبندی به اصل قرآنی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» معنا می‌یابد. همان‌گونه که رهبر شهیدمان بارها تأکید فرموده‌اند، راهکار مواجهه با دشمن متجاوز، ایستادگی و اقتدار است. ثبات منطقه‌ای و رفاه ملی تنها از مسیر «بازدارندگی فعال» می‌گذرد؛ نه از دالان‌های دیپلماسی لبخند و واگذاری مؤلفه‌های قدرت بومی.

اینترنشنال «توپخانه» است نه «تحریریه»

«حمله هسته‌ای به کوه کلنگ برای حفظ صلح جهانی واجب است»؛ این توصیه از اتاق جنگ اینترنشنال بیرون آمد تا ثابت کند که اینترنشنال به جای «تحریریه»، «توپخانه» دارد.

کارشناس اتاق جنگ اینترنشنال برای حمله به کوه کلنگ دستورالعمل صادر کرد و گفت: «نیروی عظیمی برای بمباران هوائی باید استفاده شود، صاحب نظران معتقدند که تنها شیوه‌ای که می‌شود اطمینان حاصل کرد، این است که ایالات متحده آمریکا کوه را با موشک تاکتیکی و یک سلاح غیرمتعارف، هدف قرار دهد».

وی در ادامه افزود: «پیچیده است اما لزوما از هزینه‌هایی که ایالات متحده آمریکا در جنگ ۴۰روزه و جنگ ۱۲روزه از نظر نظامی کرده است، بیشتر نخواهد بود. این یک اقدام پیشگیرانه است که ایالات متحده آمریکا برای حفظ صلح جهانی ناچار به انجام آن است».

اینترنشنال تحریریه نیست، توپخانه است و به جای تربیت «خبرنگار»، آموزش «افسری» دارد؛ افسرانی که جنایات را توجیه می‌کنند و به بهانه «حفظ صلح جهانی» حمله اتمی را مشروعیت می‌بخشند.

پیش از این نیز افسران اینترنشنال با عادی‌سازی، مشروعیت‌بخشی و توجیه جنایات دشمن در قامت بلندگوی تبلیغاتی ظاهر شدند.

شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴، دشمن جنایتکار مدرسه «شجره طیبه میناب» را با موشک زد و ۱۶۸ نفر را ترور کرد؛ ساعتی در همان روز (۹ اسفند) یک سالن ورزشی در لامرد هدف قرار گرفت که ۲۱ شهید و ۱۷۰ زخمی به جای گذاشت اما حملات به مکان‌های غیرنظامی پایان نیافت و جنایت ادامه داشت؛ دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۴، بیمارستان گاندی و پنجشنبه ۱۴ اسفند، سالن ۱۲ هزار نفری ورزشگاه آزادی با موشک دشمن تخریب شد.

اینترنشنال برای توجیه جنایت دشمن ماموریت گرفت و در فروردین‌ماه ۱۴۰۵ گزارش داد: «تحقیقات ایران‌اینترنشنال نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی، نیرو، سلاح و تجهیزات خود را در ۷۰ مکان غیرنظامی مستقر کرده‌اند، این مکان‌ها در ۱۷ استان ۲۸ شهر و ۲ روستا پراکنده‌اند و نزدیک به نیمی از آنها یعنی ۳۴ مورد مدارس هستند، مکان‌های دیگر شامل بیمارستان‌ها ورزشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مساجد می‌شوند».

آنچه از اتاق جنگ اینترنشنال بیرون می‌آید، «خبر» نیست، یک پکیج نظامی است که شامل توصیه، نقشه و دستورالعمل جنگی می‌شود؛ همچنین تاکتیک‌های عملیات روانی برای افزایش فشار و عادی‌سازی جنایات برای خنثی‌سازی نقد در افکار عمومی نیز از ماموریت‌های اینترنشنال است؛ ماموریتی که نشان می‌دهد اینترنشنال رسانه نیست، پادگانی نظامی است که برای جنگ با ایران افسر تربیت می‌کند.

گفت و شنود

پُررو‌ها...!

گفت: در خبرها آمده است که «پیت هگست»، وزیر جنگ آمریکا، تعدادی از بلاگرها را استخدام کرده است و به آن‌ها مأموریت داده که با توئیت‌ها و نوشته‌های خود، ترامپ را پیروز جنگ با ایران معرفی کنند!

گفتم: ولی تمام صاحب‌نظران و کارشناسان برجسته دنیا، مخصوصاً کارشناسان آمریکایی و اروپایی، ترامپ را شکست‌خورده می‌دانند.

گفت: یکی از رسانه‌های آمریکایی نوشته است، این کار هگست برای سرپوش گذاشتن بر حقارت آمریکا در مقابل اقتدار مثال‌زدنی ایران است.

گفتم: ایول! پس بگو چرا این روزها غربگدا‌های داخلی خودمان هم برای سرپوش گذاشتن بر نابلدی‌ها و کارنامه بی‌دستاورد خود در مقابل کارنامه درخشان دولت شهید رئیسی، به چند بلاگر مزدور مأموریت حمله به دولت آن شهید بزرگوار را داده‌اند!

گفت: پیروزی‌های دولت شهید رئیسی در مقابله با کرونا، راه‌اندازی هزاران کارخانه و کارگاه تعطیل‌شده در دولت روحانی، «نه» به‌یادماندنی به آمریکا، سر و سامان دادن به اقتصاد، پیوستن به بریکس و شانگهای، رشد اقتصادی، کنترل قیمت ارز و... حالا خود این غرب‌زده‌ها چه کرده‌اند؟! چرا به جای حمله به کارنامه درخشان شهید رئیسی، از کارنامه خودشان حرفی نمی‌زنند؟!

گفتم: یارو دورخیز کرد که با یک جهش سوار اسب شود، ولی محکم به زمین خورد! و جماعت از خنده روده‌بر شدند. یارو به جای شرمندگی پرسید؛ از کدوم هنرم خوشتون اومده؟ از پَرشم یا از دورخیزی که داشتم؟! گفتند؛ از پُررویی و روی زیادی که داری!

عطوان: آمریکا مقابل مقاومت دست بسته است

عطوان با بررسی اهمیت فتح‌الفتوح بزرگ انصارالله، گفت: ترامپ دیگر نه جرات تهدید ایران را دارد و نه مداخله در یمن.

عبدالباری عطوان، سردبیر روزنامه فرامنطقه‌ای رای الیوم و تحلیلگر شناخته شده فلسطینی، در کلیپی که در یوتیوب و صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد، به تحولات اخیر در یمن و فتح‌الفتوح انصارالله پرداخته و گفت: بیایید درباره یمنی‌ها و زلزله بزرگی که در تنگه باب المندب به پا کردند صحبت کنیم؛ جایی که نیروهای انصارالله بر ساحل غربی یمن مسلط شده و توانستند چندین شهر راهبردی را آزاد کنند که مهم‌ترین آنها شهر المخا است که موجب تسلط کامل بر تنگه باب المندب می‌شود.

حکمرانی انصارالله بر تنگه باب المندب

عطوان تاکید کرد: نیروهای انصارالله همچنین بر چندین جزیره از جمله جزیره پریم (میون) نیز سیطره یافتند و از نظر من در مرحله آینده، انصارالله بر هر کشتی که از تنگه باب المندب عبور کند، مالیات یا عوارض وضع خواهد کرد. امروز نیروهای انصارالله کاملاً بر باب المندب مسلط هستند و حق دارند که از کشتی‌های عبوری پول بگیرند.

وی افزود که چرا مردم یمن با در اختیار داشتن تنگه راهبردی باب المندب باید گرسنگی بکشند و دشمنان به آنها گرسنگی بدهند؟ محاسبات دشمنان از قدرت و توانمندی‌های یمن اشتباه بود و ذهن‌های بزرگ یمنی و همچنین ایرانی بر نبرد در منطقه نظارت دارند و برنامه‌ها و نقشه‌ها را تعیین می‌کنند.

شلیک یمنی‌ها به قلب اقتصاد عربستان

این نویسنده فلسطینی در ادامه اظهار داشت: تحولات بسیار مهمی در منطقه در حال وقوع است و امروز یمنی‌ها بر نقطه ضعف بزرگ عربستان متمرکز شده‌اند که اقتصاد آن است. نیروهای انصارالله بر شرکت آرامکوی سعودی و زیرساخت‌های نفتی و خطوط لوله نفت عربستان تمرکز کرده‌ا